

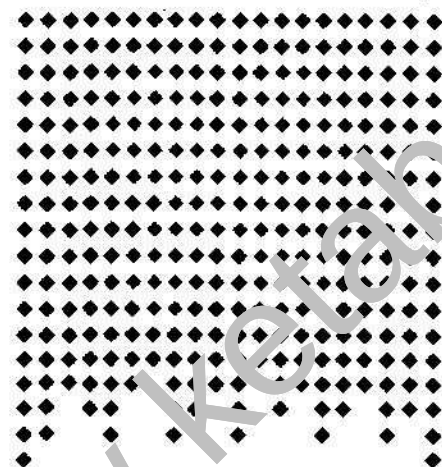
پروانه‌هایِ کولی

گزیده‌ی غزل‌های
۱۳۸۷ تا ۱۳۸۳

امیر اکبرزاده



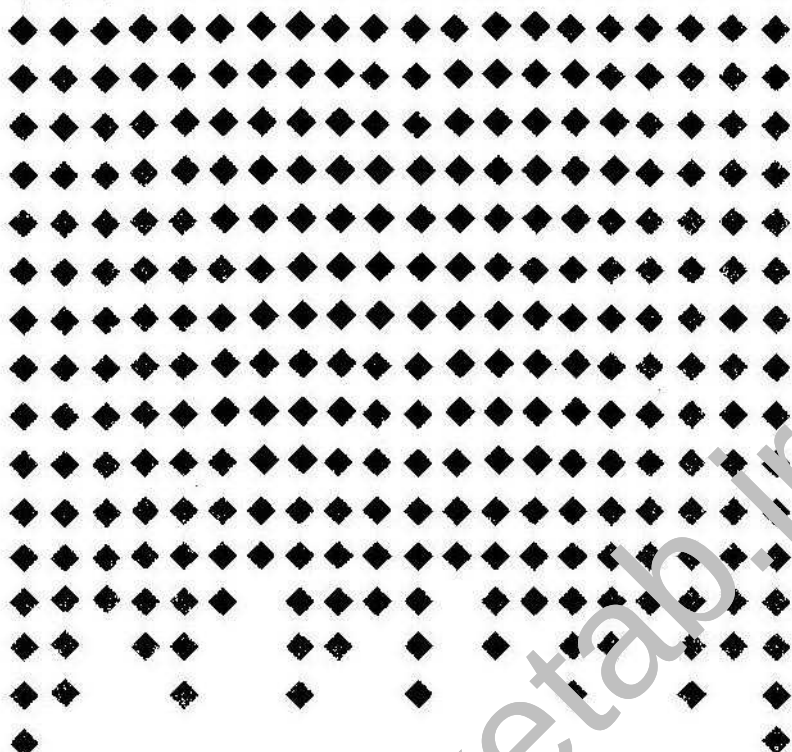
پروانه‌های کولی امیر اکبرزاده



ناشر: نوید ظهور/ مدیر هری: ا. اکبرزاده / شابک: ۶-۶۵-
 ۶۸۸۳-۶۰۰-۹۷۸ / چاپ: اول / ۹۴ / سیراز: ۱۱۰۰ / د.
 قیمت: ۷۵۰۰ تومان / چاپ: احسان/ صحافی: /
 دفتر مرکزی: قم خ صفاویه، کوچه ممتاز، کوچه ارشادی پلاک ۷۷
 فروشگاه: قم خ ارم پاساژ قدس انتشارات نوید ظهور
 دفتر مرکزی: ۳۷۷۳۳۳۳۸-۰۲۵ / فروشگاه: ۳۷۸۴۷۸۸۴-۰۲۵
 سایت: NZ-PUB.com / سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۷۰۷۷۳۳۳۳۸

سرشناسه:	عنوان نام	پیداآورد:
مشخصات نشر:	شابک:	مشخصات
ناشر:	موضوع:	
وضعیت فهرست نویسی:	پادداشت:	
رده بندی:	کنگیره:	
رده بندی دیویی:	شماره کتابشناسی ملی:	

♦ بخت، تنها دشمنم، با من آگریار، که... / ♦ فکرمی کردم که در جزرومدش
 دریا... / ♦ توجهی به تکاپوی این پلنگ بحر... / ♦ برای پنجره‌ها مشکل است
 بسته شدن... / ♦ باز آمدن نتیجه‌ی هربار رفتن است... / ♦ خسته‌ام، خسته‌تر از
 آینه در سنگستان... / ♦ چه قدر خنده به لب‌های تر برانده است... / ♦ پشت در
 مهمان ناخوانده خود پاییز بود... / ♦ از آن زمان که توری بی قرار دید از دور... / ♦
 «هوالباقی»، سپس نام من از این سطرها... / ♦ هوای شهر معجزانه آفتاب نیست... / ♦
 / ♦ که مثل من شده‌ای و فراری از مردم... / ♦ هرکس که دیدم دشمنم شد، آشنایم
 بود... / ♦ سرنوشت مرا گره زده‌ای با پریشانی... / ♦ با مایی و تنها غمناکی
 مایی... / ♦ چون برگ خزان دیده تلاطم سفر... / ♦ تاتنگ در آغوش نگیرم
 تن او را... / ♦ چه قدر فلسفه‌ی سخت بافتم به هم... / ♦ شب‌های با توشب
 که نه، چون روز روشن است... / ♦ زبان به کام گرفتی که من بخوانم... / ♦ در
 برکه‌ی تنهایی خود گیر افتادی... / ♦ چشم شده‌ست پنجره‌ای بر سر دلم... / ♦
 ♦ به خلقت زیبایی چه گونه مدیون نیست... / ♦ از خاک آفتاب سرشتی گل



مرا...۵۲ / ♦ تنها نشسته آینه...۱۰۱ / ♦ هیچ زهری تلخی کام
مرا شیرین نکرد...۵۶ / ♦ مویت آخر که سر گذارد به شانه ام...۵۸ / ♦ تا که
کافر نشدم خالق تنهایی را...۶۰ / ♦ به بی سارگی ام آسمان سراغ ندارد...۶۲
/ ♦ با هم شدیم در شرف فاصله رفیق...۶۴ / ♦ ناگهت شعله و ریشوا مانده
بی خبر...۶۵ / ♦ مدام در خودم از درد خویش می خنم...۶۶ / ♦ افتاد سایه ی
تو در آغوش شاخه ها...۶۸ / ♦ جهان و هر چه در آن ست با من میا...۷۰
/ ♦ بی تو در ساعت من شوق زمان می میرد...۷۲ / ♦ آیینی گرفته از آهم
نمی شود...۷۴ / ♦ این روزها بد جور از لبخند بیزارم...۷۶ / ♦ خورده ست با
نگاه تو پیوند آینه...۷۸ / ♦ هر چند چاک پیرهنش تا به دامن ست...۸۰ / ♦ از
این قفس خیال رهایی نمی کنم...۸۲ / ♦ در این زمانه که حرف هر آن چه مرد
دو تا ست...۸۴ / ♦ تنها خبر همین که ز هم بی خبر شدیم...۸۶ / ♦ تا بین دل و
عقل دمی تفرقه ای نیست...۸۸ / ♦ هر کس که دلم راز کفم بُرده، شکسته...۹۰
/ ♦ دلگیرم آن چنان که به چشم سحر غروب...۹۲ / ♦ از شادی ام اندوه بی